

مسعود ردایی، تهیه‌کننده:

هر کاری که انجام می‌دهم یک سرمایه‌گذاری است



در مورد پیوستن تان به این پروژه بگویید.

این اولین فیلم آقای پویا پارسا مقام بود و وجود دو همکار خوبمان یعنی آقای هومن بهمنش و آقای مرتضی فرشپاف در این پروژه سبب شد که ترغیب شوم و تهیه‌کنندگی این فیلم را بر عهده بگیرم تا به امید خدا فیلمی باشد که مخاطبان بتوانند ببینند، ارتباط بگیرند و ببینند. از طریق این دو همکار من با آقای پارسا مقام آشنا شدم و دیدم که فرد توانایی در این زمینه هستند و در نهایت تهیه‌کنندگی این اثر را بر عهده گرفتم.

در تهیه‌کنندگی این فیلم با چه مسائلی و چالش‌هایی روبرو بودید؟

بعد از اینکه این فیلم ساخته شد در زمینه بررسی‌ها برای گرفتن پروانه نمایش ایراداتی به کار گرفته شد که گروه کارگردانی نسبت به اصلاح آن اقدام کرد و در نهایت نیز پروانه نمایش آن صادر شد اما با توجه به اینکه تقریباً جنبه‌های هنری این فیلم بیشتر بود و شرایطی که بر اکران‌ها حاکم بود ما کمی صبر کردیم و حتی پروانه نمایش را یک بار دیگر تمدید کردیم و در نهایت در گروه هنر و تجربه اکرانش را انجام دادیم. قاعدتاً امکان دارد که از هر فیلمی که ساخته می‌شود ایراد و اشکالاتی گرفته شود و اصلاحات انجام می‌شود تا در نهایت در مقابل دیده مخاطبان قرار بگیرد و در موردش نظر بدهند.

آیا از همکاری گروه هنر تجربه رضایت داشتید؟

این اولین باری بود که با گروه هنر و تجربه کار می‌کردم چون اولین بار است که با یک کارگردان کار اولی مثل آقای پارسا مقام کار کردم اما به نظرم می‌آید که پایه و اساس کار گروه سینمایی هنر و تجربه خیلی درست است و فکر می‌کنم با کمی تلاش بیشتر، اختصاص دادن سینماهای بیشتر و سانس‌های بهتر می‌توانند حمایت بیشتری از کارگردان‌هایی که کار اولشان است داشته باشند و اگر این تلاش‌ها و پیگیری‌ها انجام شود شرایط بهتری برای گروه هنر و تجربه ایجاد می‌شود.

تهیه‌کننده‌هایی مانند شما که با کارگردان‌های جوان کار می‌کنند آیا نسبت به آینده این فیلم‌ها چشم‌اندازی دارید یا اینکه بیشتر به عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت به آن می‌نگرید؟

برای خود من قاعدتاً هر کاری که انجام می‌دهم یک سرمایه‌گذاری است اما برای کارگردانی که اولین کارش را می‌سازد این گونه است که باید از این فرصتی که ایجاد شده در فیلم‌های بعدی‌اش استفاده کند و این فرصت فراسویی برای اوست تا بتواند کارهای بعدی‌اش را با فیلمنامه بهتر و شرایط مناسب‌تر بسازد و واقعاً وارد گروه کارگردانی شود که فیلم‌هایشان قابل دیدن است. متأسفانه امروز در سینمای ایران هستند کسانی که فیلم‌هایشان قابل دیدن نیست به همین علت تأکید می‌کنم که حرف من در مورد فیلم‌هایی است که قابل دیدن هستند و فکر می‌کنم که این فرصت به آنها در مراحل بالاتر و ارتقا و رشد بیشترشان کمک خواهد کرد. فرصتی که خودشان به عنوان کارگردان ایجاد کرده‌اند و ما نیز کنارشان هستیم.

آنچه که در زندگی این خانواده اتفاق می‌افتد. فیلمبرداری‌های مانیز حدوداً یک ماه طول کشید و یک گروه خیلی حرفه‌ای و متعهد در کنارم بودند با اینکه کار کردن در مناطق دور، سخت و طاقت فرسا است اما همکاری خوب همه عوامل سبب شد همه چیز خیلی راحت و خوب برقرار شود.

اینکه در اولین فیلم بلند یک کارگردان جوان بازیگران نام‌آشنایی مثل علی مصفا و نازنین فراهانی حضور دارند نیز جالب توجه است از چگونگی ملحق شدن این دو بازیگر به پروژه بگویید.

وقتی فیلمنامه را تمام کردم در مورد علی و نازنین یعنی پدر و مادر این خانواده ۴ نفره مطمئن بودم و شرطی با خودم داشتم که اگر علی مصطفی و نازنین فراهانی قبول کنند که این دو کاراکتر فیلم باشند این اثر را کار کنم و خیلی خوش شانس بودم که هم آقای مصفا و هم خانم فراهانی خیلی حرفه‌ای و متعهد با من قرار گذاشتند، فیلمنامه را خواندند و قول همکاری دادند و مسلماً این مسئله به من اعتماد به نفس زیادی می‌داد علاوه بر اینکه برای ادامه کار، حضور این دو بازیگر شکل باوقاری به فیلم می‌داد. وقتی روی صورت کاراکترها کار می‌کردم برایم بسیار مهم بود که آنها شبیه یک خانواده به نظر برسند و مشخص باشد که راستین پسر علی، راضیه دختر نازنین و نازنین همسر علی است چون سعی کرده بودم تمام اطلاعات و گذشته این خانواده را مختصر و کوتاه کنم و دلم می‌خواست شمایل فیلم خیلی دلپذیر و باورپذیر باشد. پیدا کردن راستین و راضیه نیز کمی زمان برد اما در این زمینه نیز خیلی خوش شانس بودم و زمانی که هر دوی آنها را دیدم، به نظرم آمد که می‌توانند خواهر و برادر باشند چون سمپاتی خوبی نیز میان آنها وجود داشت. البته در این زمینه هومن بهمنش و مرتضی فرشپاف نقش مهمی داشتند و برای ساخت این فیلم از من پشتیبانی کردند. به هر حال برای تهیه‌کنندگی فیلم اول یک کارگردان معمولاً کسی اشتیاقی ندارد و خیلی کار پرریسکی است ولی به یاد دارم که هومن بهمنش معرفت زیادی به خرج داد و به نوع آقای ردایی را متقاعد کرد که تهیه‌کنندگی این فیلم را بپذیرند و آقای ردایی نیز پذیرفت و این آزادی را به من داد که این فیلم را آنگونه که دوست داشتم بسازم و فکر می‌کنم این شانس بسیار بزرگی است هر چند این وقفه چند ساله خیلی به ادامه کار من آسیب زد اما به هر حال آنچه از آن مانده برایم بسیار دلپذیر است و چیزی است که ۸ سال پیش بادل و جان و آنگونه که دوست داشتم انجامش دادم.

سخن پایانی

فکر می‌کنم آرزوی هر کسی که کاری انجام می‌دهد این است که آن کار دیده شود و خیلی خوشحالم که این وقفه چند ساله باعث نشد که فیلم بیات به نظر برسد یا موضوعش کهنه شود. فکر می‌کنم که هر چقدر افراد بیشتری به تماشای این فیلم بروند، هم زخم این چند سال وقفه کمی التیام پیدا می‌کند و هم در همکاران دیگر من که فیلم کار می‌کنند و ناامیدند از اینکه فیلمشان را در گروه هنر و تجربه یا سینما به اکران درآورند اشتیاقی ایجاد می‌کند و این اشتیاق هم برای همکارانم و هم برای این حرفه یک موضوع حیاتی است. این ناامیدی وجود دارد چون انگار فراموش کرده‌ایم که چقدر رفتن به سینما و دیدن فیلم در سینما لذت بخش است بنابراین مهم است که آدم‌ها حوصله کنند، به سینما بروند و فیلم را در سینما تماشا کنند و فکر می‌کنم جان گرفتن دوباره این مهم به بهانه هر فیلمی که باشد آرزوی همه ما است که کار می‌کنیم و با اینکه عده محدودی به دیدن این فیلم‌ها می‌روند اما باز هر بار شنیدنش بسیار لذت بخش است.



آنها داشته باشیم آنقدر در خاطر مخاطب می‌ماند و همین صحنه ساده اگر یک احساس به یادماندنی را ثبت می‌کند یعنی آنچه که شما می‌گویید درست است و فیلم سعی می‌کند که یک فضایی ایجاد کند.

لوکیشن فیلمبرداری‌ها کجا بود و چقدر طول کشید؟

از روزی که تصمیم گرفتم این فیلم را کار کنم به گنبد فکر کردم چون به واسطه مرتضی فرشپاف بارها به گنبد سفر کرده بودم و شیفته این بودم که آنجا کار کنم البته یک فیلم کوتاه نیز کار کرده بودم اما همیشه آرزو داشتم برای ساختن یک فیلم بلند به گنبد برگردم. در نهایت به دلیل همین دوستی و اینکه امکان سفر کردن به گنبد برایم فراهم بود و اینکه مرتضی فرشپاف لوکیشن را خیلی خوب می‌شناخت و می‌توانست جاهای خوبی را به ما معرفی کند و از همه مهم‌تر اینکه می‌خواستیم این داستان را در فضایی که طبیعت گسترده‌ای دارد تعریف کنیم این لوکیشن انتخاب من بود. در واقع من می‌خواستیم که زیبایی این طبیعت در اطراف همه این اتفاقات بد باشد طبیعتی که در آن همه چیز در حال رشد، نور و حرکت است درست بر خلاف

